

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشی پیرامون بینش و سنت " چراغ روشن " تهذیب ماندگار و معنوی ناصر خسرو ، در میان اسما عیلیان آسیای مرکزی!



پژوهش و نگارش: " پیکار "

۲۳ حمل ۱۳۹۱

اگر به فرآیند زمانی پیدایش، آفرینش ، تکامل و انکشاف ادیان، مذاهب، باور ها و عقاید انسان ها، در فراز و فرود تاریخ به دیده ژرف علمی و عقلانی نظر افکنیم، دیده میشود که هیچ دینی، آئینی و کیشی بدون حضور مراسم تشریفات مذهبی در ذهن و عملکرد باورمندان اش ، به مثابه ایجادیات شفاهی مردم در قفس سینه ها، باقی مانده و تا به امروز به زیست معقول خویش ادامه داده باشد، هرگز وجود ندارد. هر آن آئینی که از این ویژگی ها برخوردار نبوده است، بدون آنکه دارای کدامین سوابق، محتوا و سیاق هم بوده است، مکان خویش را در زمانه های معین به سایر باور ها و عقاید به ودیعه گذاشته و خود از بستر عملکرد دینی و مذهبی در انزوا قرار گرفته است. مراسم تشریفات مذهبی، به هر نحوی که به مشاهده گرفته میشوند، دارای بعد فرعی بوده و در راستای تطبیق و تحقق اصول و بینش بنیادین مذهب و باور های دینی نقش آفرینی میکنند. مراسم تشریفات مذهبی با در نظر داشت ویژگی های سنتی خود، حیثیت ستون فقرات درونی و معنوی عقیده و باور ها را در راستای استوار نگهداری اصول زرین همان عقیده و باور را تشکیل دهنده هستند. سنت های عقیدتی در همه ادیان دارای ابعاد زمان و مکان بوده و مطابق شرایط و نیازمندی های باورمندان گونه می پذیرند، آراسته و پیراسته میشوند، و بسوی انکشاف بهتر، عقلانی تر و زمانی تر میروند. هر آئین و کیش ،مراسم تشریفات خود را تا زمانی حفظ و نگهداری می کند، که آنها از بینش جمعگرایانه، مشمول گرایانه، تعدد پسندانه،وشایسته سالاری برخوردار بوده و باورمندان را از تشریک مساعی با سایر انسان ها، امت مسلمه و کافه بشریت، دور نساخته بلکه از نقطه نظر محتوا و سیاق خود، معرف عرفان، تهذیب و فرهنگ عقیدتی و باور های انسانی در میان سایر باورمندان باشند، و نباید آنها را من حیث فروع ، با اصول دین به مغالطه گرفت.

سنت و رسم " چراغ روشن"، یکی از با شکوهترین پدیده های عقیدتی و مذهبی اسماعیلیان آسیای مرکزی است، که در بدخشان افغانستان، تاجیکستان، مناطق شمال پاکستان و منطقه ترکستان چین است، من حیث سنت تشریفات مذهبی، مشاهده میشود. این رسم، در میان باشندگان مناطق یاد شده به نام " دعوت ناصری"، " دعوت سیدنا ناصر خسرو"، " دعوت پیر"، و " چراغ روشن"، نیز معروف و مشهور است. این سنت مطابق عنعنه مردمان مناطق یاد شده در روز سوم بعد از وفات شخص متوفا، مطابق تشریفات ویژه راه اندازی میشود که در اصل در بردارنده، سیاق مشحون از هدایت، نورانیت، مواظبت معنوی از جماعت، پیروان، و شخصیت های معتقد، تعیین و تفسیر شیرازه اخلاقیات عقیدتی باورمندان کیش و آئین اسماعیلی، مدیحه خوانی که بعضاً " مداح خوانی"، نیز گفته میشود، خوانش و قرائت آیات کلام الله مجید، و سایر بخش های ادبیات و سروده های عرفانی است.

در بخش نخست مراسم تشریفات " چراغ روشن"، خلیفه که شخصیت دوم روحانی و عامل کار کرد های عقیدتی در میان اسماعیلیان بعد از پیر است، چراغ دان، " قندیل"، پنبه، و روغن زرد را که کار بردش در میان مردمان آسیای میانه خیلی ها معمول است، تهیه و تدارک می بیند و شخص خلیفه فتیله را مطابق رسم و شیوه مروج و مرسوم مردمان مناطق یاد شده تاب داده و متن " چراغ نامه" را که در بر دارنده سیاق عرفانی و معنوی و ادبی چراغ روشن است، به خوانش می نشیند. آنهایی که در مراسم احتفال در خانه و منزل اقارب متوفا، حضور دارند، به گونه دسته جمعی با خلیفه و سایر اشتراک کننده ها در تکرار ابیات، سروده ها، درود، همخوانی نموده و زینت باطنی و معنوی به شمول ارزش عرفانی و سنتی دعوت یاد شده را با فرستادن درود و صلوات به حضرت رسول اکرم، اهل بیت، پنج تن پاک و چهارده معصوم، به بازتاب می نشینند. (در مورد 14 معصوم به مقاله اعظم سیستانی در سایت آریایی و یا ولونگه مراجعه شود)

مزید بر آن " چراغ نامه" متشکل از سروده های عرفانی، دینی، ادبی و عقیدتی هستند که در ستایش خداوند تبارک و تعالی، حضرت محمد(ص)، فرشته ها و ملائک مقرب، و سایر پیامبران خدا، به ویژه پیامبران مرسل و اهل کتاب، امامان دور اهل تشیع، حجتان، داعیان، بخصوص حکیم بزرگ، دانشمند و فیلسوف گرایش باطنیه، حجت خراسان سید شاه ناصر خسرو، بکار برده میشوند و مزید بر آن خوانش کلام الله مجید، دعائیه ها، و نیایش ویژه باطنیان و بینش اسماعیلیسم که با عقلانیت آراسته و پیراسته شده است، نیز جز بنیادین آن می باشد.

این سنت کهن، و لی تازه از دید گاه سیاق، محتوا، بینش و گرایش باطنی اش، در گسترده بستر تاریخی، زیر نظارت و هدایت امامان وقت مذهب اسماعیلیسم، مورد کار برد قرار گرفته است. تفسیر و تعبیر خردورزانه سنت یاد شده، در همه زمانه ها و سده های گذشته بر اساس صلاحیت و اختیار امامان اسماعیلی و نماینده های باعتبار آنها مانند سید شاه ناصر خسرو و سایر پیران و داعیان کوهستان، مورد تطبیق قرار

داده شده است. قابل یاد آوری است که در مورد زمان و مکان پیدایش این رسم دینی، و اثر بخشی معنوی و باطنی آن در حفظ و استحکام دیدگاه و تصور جمعگرایانه اسماعیلیسم در میان پیروان این کیش و آئین و هم سایر مشاهدین آن، و اینکه چگونه این سنت توانست در جریان بیشتر از هزار سال بدون در نظر داشت شرایط و زمان نامناسب، و نبود روابط ظاهری و جسمانی با پیشوای شان، و صرف اتکا به تعلیم و آموزش ناصر خسرو، با وصف تفتیش عقاید و باور ها از سوی ملا های متعصب، جزمگرا و بی خبر از بینش جمعگرایانه دینی و عقیدتی ای که در سیاق قرآن مضمّن است، به شمول حکام تکگرای، متعصب و مخالف اندیشه های جمعی و عقلانی دینی، با صدور احکام ارتداد و تکفیر بر سایر باورمندان، تا کنون من حیث وسیله ماندگار و مستحکم حفظ اصول بنیادین عقاید و باور های دینی این مردمان، به ویژه معنویت و روحانیت عقلانی که جز جدا نا پذیر تصور و بینش اسماعیلیسم تاریخی است، در میان جماعت مورد تقدیر، تکریم و تقدیس قرار دارد و هم تا حدی باعث بروز دیدگاه های ناهمگون در میان پژوهشگران عرصه شناخت باطنیه و اسماعیلیسم، در آسیای میانه، آسیای جنوبی، مناطق شمال پاکستان، ترکستان چین و سایر دانشمندان اروپا و امریکای شمالی، گردیده است.

پروفسور ا.ای. برتلس، و پژوهشگر علوم فلسفی، شاه خمارف، به این باور هستند که سنت " چراغ روشن"، دارای پیشینه تاریخی خیلی ها قدیم بوده و گویا از آئین مهر پرستی گرفته شده است، و علاوه بر آن گویا اینکه موضوع چراغ و نور در همه ادیان و باور ها وجود دارد، به شمول آئین زردشتی، و گویا اینکه، چون مردمان مناطق بدخشانات نیز از این دو آئین خیلی ها متأثر هستند، از این سبب سابقه این سنت را نیز به آن متوصل میدانند. **داکتر عزیز الله نجیب**، کار شناس ارشد اداره تعلیم و آموزش مذهبی والا حضرت آقا خان برای پاکستان و یکی از پژوهشگران و کار شناسان معتبر عرصه الهیات شناسی، به این باور است که سنت " چراغ روشن"، به دین و آئین زردشتی، و آئین مهر پرستی ارتباط مستقیم نداشته و زاده بینش و تفکر ناصر خسرو است که برای پیشبرد دعوت اسماعیلیسم در آسیای میانه و آسیای جنوبی، به ویژه مناطق شمال پاکستان بکار برده شده بود. و شاید هم تصویری از تنویر گرایی و مهر پرستی که به نحوی از انحا در همه ادیان و باور ها به اشکال مختلف حضور دارد، با خود داشته باشد، اما در واقعیت امر این سنت به این شیوه اش مختص اسماعیلیان آسیای میانه بوده و در حقیقت باعث استحکام هر چه بیشتر فرآیند دعوت اسماعیلیسم در منطق یاد شده گردیده است.

دانشمند نامدار، پروفسور برتلس، در سال **1976م**، در همایش بزرگ بین المللی که به مناسبت بزرگداشت از هزاره فیلسوف سترگ حکیم ناصر خسرو در دانشگاه مشهد برگزار شده بود، اشتراک نموده و موضوع خیلی ها با اهمیت علمی و در خور ستایشی را به مشترکین آن همایش پیشکش نمود که بخشی از آن راسنت " چراغ روشن"، در برداشت که روی تاریخچه پیدایش آن سخنرانی نموده و کمتر با معنا

مفهوم باطنی و معنوی آن تماس گرفت. موضوع در همآیش یاد شده در نگارش مفصل شان این گونه ابراز عقیده نموده است:

" به حدس و گمان من، مراسم تشریفات سنت ماندگار " چراغ روشن"، " شب دعوت"، و یا هم " شب چراغگردان"، که در میان اسماعیلیان آسیای مرکزی مورد بازتاب قرار میگیرد، دارای سابقه خیلی ها قدیم بوده و در واقعیت طرحی بوده است حقیقی و بدون تردید به گونه ای دیگر قبل از اسلام و به زمانه های حاکمیت شهاب الدین سهروردی، بر میگردد، و باید گفت که این تنها نظر و بیشن شخصی من است." (ص 107- 108) ، اما پژوهگر دیگری ، مرحوم شاه خمارف، ضمن تحقیق پیرامون تاریخ و فلسفه آئین " چراغ روشن"، به نحو دیگری فرموده است که گویا سنت " چراغ روشن"، با دیانت زردشتی ارتباط داشته و الهام از آن گرفته است، و به گمان اغلب شاید هم تا حدی بر گردد به زمانه های مهر پرستی، که اثرات آن در پامیر زمین نیز زیاد محسوس و ملموس است که واژه " پای مهر"، که به پامیر امروز اطلاق میشود نیز از آن زمانه ها مورد کار برد قرار داشته است. موصوف در زمینه اینگونه اظهار نظر می نماید: " ... اما در خصوص ارتباط دادن سنت چراغ روشن با آئین زردشت، درست نیست زیرا بر اساس دست آورد های علمی امروز این چنین قضاوت درست نمی آید و هم باید دانست که دین زردشت هیچگاهی در سرزمین بدخشان و پامیرات مروج نبوده و آنچه که امروز به عنوان بقایای آتش پرستی داریم، همه مربوط و منوط به کیش قدیم تری است که عبارت از آئین مهر پرستی در برابر آئین زردشتی می باشد." (ص، 149-150)

باید گفت که سنت چراغ روشن نسبت به هردین و آئین دیگر، به اسلام و سنت و تشریفات اسلامی وابستگی کامل تر دارد زیرا پیروان ناصر خسرو من حیث اسماعیلیان شیعه امامی مسلمان، با همه مسایل دینی شان پا بند بوده و تنها تفاوت شان با دیگران این است که آنها سعی می ورزند تا اسلام را بر مبنای سیاق عقلانی و قرآنی اش که به زمان حضرت محمد (ص)، و مولا مرتضی علی بر میگردد ، مورد پذیرش قرار دهند. مثلاً مادامی که متن چراغ روشن را که شامل قصاید، ابیات عرفانی، و سروده های داعیان و حجتان طریقه اسماعیلیسم، به شمول مناجات، اشعار و آفریده های شخصیت های اسلامی می باشند، نشان دهنده منبع پیدایش و جایگاه اصلی آن است . از این سبب پیوند دادن سنت چراغ روشن به سایر ادیان و مذاهب کاری است ناجا و خلاف قضاوت پژوهش ها و واقعیت های تاریخی.

باید اضافه نمود که در سنت چراغ روشن، موضوع و مقام " نور"، از مقام و جایگاه آتش قویتر است. و اگر به سیاق و محتوای قرآنی نیز مراجعه کنیم، دیده میشود که مقام نور خیلی ها عالی بوده و موقف آتش دارای بینش هلاک کننده و سوزاننده بوده و هم وسیله مجازات و توبیخ است، اما واژه نور و بینش نور و نورانیت، درحقیقت هدایت، راستا، صراط المستقیم، تنویر و تمکین و راه نجات و رهایی است. از این سبب میتوان گفت که در " چراغ نامه"، و بطور عموم در سنت " چراغ روشن"، مقام

فلسفی نور، یعنی " نور خداوند"، " نور نبی خدا"، و "نور امامت"، از عباره آتش و تصور آن بالا تر است. مطابق فلسفه عقلانی همه فرقه ها و به ویژه اسماعیلیسم و سایر مذاهب و باور ها در میان امت مسلمه، لازم میدانند که اگر از بینش نور و علوم معنوی و عقلانی برخوردار باشند، و براه راست و صراط المستقیم روان باشند، به گونه بهتر میتوانند به اصل واصل گردند. در این جا بار مجدد میخواهم بینش و نظریات شاه خمارف را پیرامون ایجاد متن و سیاق چراغ نامه که شاید به چند هزار سال تاریخ بر گردد، این گونه می نویسد:

" شاید دشوار باشد ، از نقطه نظر علمی و تاریخی بتوانیم نگارنده متن " چراغ نامه"، را تعیین نمائیم زیرا سابقه آن به چندین هزار سال بر میگردد که بدست آمدن خود چراغدان ها، قندیل ها، و دیپک ها، در قبرستان ها که بر اساس کاوش های علمی و باستان شناسی بدست آمده اند، قدیم بودن این سنت (اگر دقیقاً همین سنت چراغ روشن هم نباشد مشابه آن)، را نشان دهنده است. باید گفت که این همه چراغدان ها، و قندیل ها در قبرستان های مردمان سکایی که زمانی در پامیرات و بدخشانات حیات بسر برده اند، دریافت گردیده است. "

بر بنیاد نظریات و بینش نگارنده های بالا، میتوان قضاوت نمود که ، شاید هم تصور چراغ، تنویر، بینش روشنایی، به قبرستان رفتن ها با داشتن چراغ، و غیره موضوعی باشد که با پیدایش انسان و بشریت ارتباط داشته باشد، زیرا این خود وسیله ای آرامش و سکون فکری و ذهنی بود برای انسان ها و مردمان قدیم، به ویژه در مواقع مرگ و میر و یاد نمودن ارواح گذشتگان شان. ولی بدون تردید سنت " چراغ روشن"، نیز من حیث پدیده روبنایی عقیدتی در میان اسماعیلیان تنها محصول بینش اسماعیلیسم نیست و هم فرهنگ و زبان ادیان و باور ها نیز همواره فرامرزی بوده است و هیچ دینی نیست که پیشدادی نداشته باشد، از این سبب میتوان گفت که این هم تصویری است برگرفته از سایر تصورات و بینش معمول در میان انسان در راستای روشنی و تنویر، ولی این که چرا گونه موجود را به خود گرفته است، منوط است به شرایط و زمانی که این سنت در آن به وجود آمده است زیرا همه مراسم تشریفات مذهبی به مثابه ستون فقرات عقیدتی عملکرد بر عقیده، دارای ویژگی های زمانی و مکانی بوده و برای همیشه ثابت نیستند، بلکه مطابق شرایط زمان و مکان دگرگون میشوند و گونه می پذیرند، به ویژه برای اسماعیلیان بعد از سقوط امپراتوری فاطمیان در مصر، اسماعیلیان آسیای میانه بسوی تقیه رفتند و سنت " چراغ روشن"، یگانه راهی بود در راستای عملکرد بر طریقه و آئین اسماعیلیسم، در شیرازه منازل، حجره ها، خانه و کاشانه ها، به نحو مکتوم و پنهان و دور از انظار دیگران به ویژه آنهایی که محتوای این سنت را به مفهوم باطنی اش درک کرده نمیتوانستند. هر چند شاه خمارف آئین " چراغ روشن"، را وابسته به آئین مهر پرستی قبل از اسلام می داند و اضافه میکند که نگارنده متن " چراغ نامه"، شخص ناصر خسرو نمی باشد. او در زمینه این گونه می نگارد:

" از آنجایی که گسترش آئین اسماعیلی در آسیای میانه، به ویژه در سرزمین پامیر و منطقه بخارا بیشتر از هزار سال حکایه دارد، از این سبب پیدایش سنت چراغ روشن نیز میتواند به آن زمان وابسته دانسته شود و هم میتوان گفت که شاید متن امروزی آن بر بنیاد متون قبلاً تهیه شده و هدایت داده شده ناصر خسرو برای بار نخست به میان آمده و بعد ها مطابق شرایط زمان و مکان و نیازمندی های مردمان و پیروان طریقه باطنیه تجدید نظر شده و با شرایط زمان و مکان مورد تطبیق قرار داده شده است. و هم چون همه سنت های مروج در میان اسماعیلیان آسیای میانه به نام و نشان پیر شاه ناصر خسرو ختم میشود، از این سبب سنت فعلی چراغ روشن نیز از همین سبب به نام " دعوت ناصری"، مسمأ شده است. و این ادعا تا حدی هم درست است زیرا، بر اساس فرموده شخص ناصر خسرو، ایشان کتابی را به رشته نگارش در آورده است که به نام " مصباح"، است که در آن در مورد تن و جان، و بقای روح بعد از فنای جسمانی، تصنیف نموده است که در اثر ماندگار خویش، " خوان الاخوان"، نیز از آن یاد آور شده است." (ص، 151-152)

پروفسور برتلس، در اثر شان " ناصر خسرو و اسماعیلیسم "، (مسکو 1959)، می نویسد که در واقعیت امر سنت " چراغ روشن"، در محیط بدخشان به میان آمده و در آن جا به شیوه های مختلف مطابق رسم و رواج عقیدتی مردمان مقیم آن جا، مورد کار برد قرار گرفته است. و اینکه گویا مردمان بدخشان در گذشته ها آتش پرست بوده اند و سنت چراغ روشن نیز به آن ارتباط دارد، از ریشه نادرست می باشد. و هم اینکه این سنت با حضور یابی ناصر خسرو در بدخشان به منظور پیشبرد رسالت عقیدتی اش در راستای انتشار و گسترش دعوت اسماعیلی از آن استفاده نموده است، نیز تا حدودی دارای شواهد معین نیست. اما باید دانست که ناصر خسرو نشست هایی را در میان پیروان ترتیب و تنظیم می نمود که به نام " مجالس دعوت"، یاد می شدند. و برخی ها بر این باور هستند آن مجالس دعوت، بعد ها به " مجلس چراغ روشن"، تبدیل شدند و تا به امروز ادامه یافته است."

واژه های، چراغ، دیپک، قندیل، فانوس، سراج، مصباح، و غیره به نحو دیگری در زبان لاتینی نیز جای دارند و به نام "Lampas" یاد می شود، و به همین سان در زبان های اروپای باختری و خاوری، نیز کار برد دارد و بینش آن در واقعیت امر میان همگان هم مشترک است و هم دارای هدف و غرض واحد بخاطر تنویر و ارتقای سطح معنویت و روحانیت در میان انسان های مختلف باورمند به هر دینی و هر آئینی که خود انتخاب نموده است. بینش چراغ در حقیقت در فرماسیون اقتصادی و اجتماعی دوره سنگ، بر میگردد که قندیل هایی از سنگ ساخته می شدند و بعد چربی و روغن را در داخل آنها گذاشته می شدو برای مقصد و مرامی که در نظر داشتند، از آن استفاده می نمودند. مثلاً در مصر و یونان باستان به قبرستان ها می رفتند، در آنجا قندیل های ساخته از سنگ را می دیدند که به شکل، پرنده، باز و ماهی، همانند بوده و بعد ها این فرهنگ به سرزمین خراسان و سر زمین ایران امروزی نیز سرایت کرد و

راه خود را قدم به قدم بسوی آسیای میانه، افریقا، روم و غیره، در نتیجه مهاجرت ها و پناهگزینی های جبری و قصدی، و یا هم رضامندانه، به راه پیمایی خود ادامه داد. داستان سرایان و قصه پردازان معروف و مشهور پیرامون زندگی حضرت محمد(ص)، و کار کرد هایش حرف هایی دارند و میگویند، زمانی که در مدینه مسجدی به نام **"مسجد نبوی"**، ساخته شد، شرایط زندگی آنقدر درست نبود و آنحضرت بخاطر تنویر آن از برگ درختان استفاده می نمود تا روشن باشد و بعد ادای نماز کنند. قرتوبی، (وفات 1272 / 671) در اثر خویش **"تعریف الانساب"** (قاهره 1987م، ص 252) می نویسد که یک تن از بازرگانان سوریه به نام **"تمیم الدهاری"**، (وفات، 660/40)، یکدانه چراغدان را که مملو از روغن حیوانی بود به مدینه آورد و به مسجد نبوی هدیه نمود. روشن نمودن آن چراغ در مسجد در آن زمان من حیث یکی از خوبترین رویداد ها به نظر می رسید و هم باعث مسرت حضرت محمد(ص)، نیز گردیده و این اقدام بازرگان موصوف باعث شد تا رسول خدا به وی لقب **"سراج"**، را اعطا فرماید.

در کتاب **"الكافی"**، آمده است، زمانی که حضرت امام محمد باقر (وفات 733 / 114) دیده از جهان فروبست، پسر شان حضرت امام جعفر صادق هدایت دادند تا در منزل شان چراغی ویژه روشن گردد، و به همین سان این سنت در هنگام وفات حضرت امام جعفر صادق (وفات 765 / 148)، نیز به مشاهده گذاشته شده بود. و بدون تردید این فرآیند خود بر اسماعیلیان آسیای مرکزی نیز اثر گذاشته است، زیرا پیر ناصر خسرو خود از همه امور و مسایل آستان امامت به شمول سنت های معمول و مشهور درگاه امامت برایش خیلی ها هویدا و معلوم بود.

گفته میشود که شخصی به نام **"تاج مغل"**، که بدخشانی الاصل بوده است برای رئیس خان که از خانواد و قبیله **"تره خان"**، منطقه گلگت بود است پناه میدهد، و بعد ها به نسبت عمیق تر شدن مناسبات میان این هر دو، رئیس خان به کیش اسماعیلی می گردد، و تاج مغل، دخترش را در عقد نکاح رئیس خان در می آورد، و رئیس خان روی دلایل نا معین، تاج مغل را به حمله بر مناطق مختلف علاقه جات شمالی پاکستان ترغیب می نماید که در نتیجه مناطق **: چترال، یاسین، کوهستانهای غدر و پونیال**، در اختیار تاج مغل قرار میگیرد. مادامی که تاج مغل داخل منطقه گلگت شد، در زمان توره خان حاکمیت گلگت را بدوش داشت، و چون در برابر مهاجمین تاب نه آورد، از این سبب برای شان نه تنها تسلیم شد، بلکه به کیش و آئین شان نیز مشرف گردید. و باید گفت این زمانی بود که عقیده و باور اسماعیلیسم به گونه گسترده آن در این مناطق بر اساس مساعی همه جانبه و فراگیر تاج مغل، پهن گردید و مردمان قدم به قدم به عملکرد بر طریقه و عقیده شان بر بنیاد پالیسی خلفای فاطمی و به ویژه آموزه های ماندگار پیر سترگ، سید شاه ناصر خسرو، روی آوردند. گفته میشود که تاج مغل از طریق کوه های دشوار گذر پامیر، به منطقه سینکیانگ چین، که در آن زمان به نام ترکستان بزرگ یاد میگردید، رهسپار شد و در آن جا نیز به دعوت

اسماعیلیسم ادامه داد. تاریخ نگاران در نگارش های شان می نگارند که، قلمرو حاکمیت اسماعیلی در زمان این شخصیت فعال که خود عامل اصلی این همه کارکرد ها بود، الی ترکستان بزرگ، به شمول سینکیانگ امروز، غرب افغانستان الی آستان هرات باستان، جوزجانان، که شامل شبرغان و حومه آن میشود، ولایت غور، مناطق جنوب شرق چترال و گلگت، الی مرزهای هندوستان، منطقه یفتل بدخشان افغانستان، به شمول راغ، درایم و منطقه سرگیلان " سرگیلان"، امروزی در بدخشان را در بر میگرفت. و هم ابراز نظر های خیلی زیادی وجود داشته و حاکی از آن هستند: مادامی که سنت " چراغ روشن"، هنوز در مرحله ابتدایی و نخستین خویش قرار داشت، این تاج مغل بود که باعث گسترش و مروج سازی این سنت در میان مردمان زیر حاکمیت و قلمرو او گردید. (برای معلومات بیشتر میتوان ، به نگارشم در مورد دعوت اسماعیلی در علاقه جات شمالی ، نشر شده در سیمای شغنان مراجعه کرد)

برخی ها را عقیده بر این است که سنت چراغ روشن برای مدت های زیادی تنها برای فرد متوفا بکار برده می شد، و هنوز دعوت بقا شامل آن نبود، اما برخی ها این سنت را با مراسم چهاردهم شعبان " شب برات"، به مغالطه میگردانند و از این سبب پیروان پیر ناصر خسرو نام این سنت را به " چراغ روشن"، تبدیل نمودند تا از سنت " فاتحه چراغان"، که در میان اسماعیلیان آسیای مرکزی به نام شب برات یاد می شد، تشخیص و جدا دانسته شود. «شعبان» ماه هشتم از ماه های قمری است که بعد از ماه رجب و قبل از ماه رمضان قرار دارد. جمع آن «شعبانات» و «شعباین» است. این نام از ریشه «شعب» گرفته شده که هم بر جایی و افتراق و هم بر فراهم آمدن و اجتماع دلالت دارد. بعضی از اهل لغت گفته اند «این واژه از اضداد است» ولی دیگران آن را از باب اختلاف لغات دانسته اند. واژه «شعب» به معنی امت و قوم نیز از همین ریشه گرفته شده است. چنان که خداوند فرمود: «و جعلناکم شعوباً و قبائل و...؛ شما را از امت ها و قبیله ها قرار دادیم». وجه نام گذاری شعبان، طبق روایتی از پیامبر اکرم (ص) آن است که خیر بسیار (ماه رمضان) از آن منشعب می گردد، و نیز گفته شده: «چون شعبه های رحمت خدا در آن بسیار است، شعبانش نامند» یا به جهت آنکه روزی بندگان خدا در این ماه بسیار منشعب می شود و حسنه مضاعف می گردد. اما عرب جاهلی چون در این ماه برای پیدا کردن آبشخور، یا به منظور غارتگری، پراکنده و منشعب می شدند، این را وجه تسمیه شعبان پنداشتند. از جهت عظمت و اهمیت این ماه که در مقدمه ماه مبارک رمضان قرار دارد، معمولاً آن را «شعبان المعظم» تعبیر می کنند. ما میتوانیم معنی و مفهوم واقعی این مناسبت را در سروده زیر مشاهده میکنیم:

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی
آن «شب قدر» که این تازه «براتم» دادند

آنگونه که گفته آمدیم، دانسته شد که سنت چراغ روشن در ابتدا دارای شکل واحد برگزاری بود و تنها برای شخص متوفا برگزار میگردید، اما بعد ها شاخه های دیگری نیز به آن پیوستند، که میتوان از دعوت **فنا، دعوت بقا، دعوت صفا، و دعوت رضا**، یاد آور شد، و لازم است دانسته شود که امروز دعوت **صفا و دعوت رضا**، دیگر در مراسم تشریفات "**چراغ روشن**"، حضور برای برگزاری ندارند و مورد مشاهده قرار نمیگیرند. باید گفت که سنت "**مجلس حیاتی**"، در میان جماعت آسیای جنوبی، به ویژه جماعت خوجه، نیز از سنت چراغ روشن سرچشمه میگیرد، به این دلایل که تاریخ و سبقه این جماعت نسبت به سنت جماعت آسیای میانه خیلی ها، نزدیک است، و لی سنت ناصر خسرو بیشتر از هزار سال سابقه دارد، از این سبب پیر های جماعت خوجه نیز مشابه این سنت را از ناصر خسرو گرفته اند و دقیق تر این است که "**مجلس حیاتی**"، در زمان حضرت امام سلطان محمد شاه، بر بنیاد درخواست جماعت آسیای جنوبی به اجرا در آورده شد و مورد مشاهده قرار می گرفت. در اثر *Major J. Biddulph*، "**تبار های هندوکش**"، سال 1977م، در صفحه 123، اش می نگارد که: "در شب برگزاری مراسم چراغ روشن، در میان مردمان کوهستانات بدخشان افغانستان و سایر مناطق پامیر، شخصیت روحانی و اجب الاحترام این اقوام که به نام "خلیفه"، یاد میشود و از خلافت و نیابت گرفته شده است، به منزل نورفته در خاک آمده، و بخاطر ادای احترامش خوراک تهیه و تدارک دیده میشود. خلیفه لقمه ای از خورک را در دهان خود نموده و بعد دیگران که در صحنه حضور دارند موصوف را همراهی می کنند. بعد همه مراسم که عبارت از خوانش چراغ نامه، تاب دادن فتیله، تهیه و تدارک روغن، و خوانش سایر ضروریات در فرآیند شب هنگام ادامه پیدا میکند."

نویسنده ها، دانشمندان، شعرا و نظم نویسان اعصار مختلف، پیرامون سیرت رسول اکرم، و نورانیت وی در راستای هدایت عالم بشریت، و قایل شدن ارزش به نورانیت او و اهل بیتش، همواره آفریده هایی دارند که در وصف نورانیت آنحضرت چیز هایی را به گفتار نشسه اند. مثلن "**اکبر آبادی**" در اثر خویش "**سیر منظوم**"، هم در مورد پیامبر خدا و هم اهمیت نورانیت، "**چراغ**"، و "**قندیل**" سخنانی داشته اند و هم سروده ای دارند که در وصف نور و نورانیت، و هم اینکه به گونه نمادین شخصیت نورانی آنحضرت را بازتاب داده اند. باید گفت که سنت چراغ روشن با سنت مهر پرستی و سنت دیانت زردشتی دارای پیشینه تاریخی همسان نبوده و نمیتوان آنها را از یک منبع و سرچشمه دانست، زیرا در قدم نخست زردشتی ها، اگر فردی در خانواده شان وفات می یافت، آنها وی را الی سه روز به گور نمی سپاریدند و حتی برای مدتی نگاه میگردند و بعد ها به تپه های بلندی آن را انتقال داده و می گذاشتند تا طعمه لاشخوران گردد. و یا هم در هنگام بهار، خزان و به ویژه زمستان صندوق های بسیار بزرگی را می ساختند که جسد یک انسان بطور ایستاده، با پایهای

گسترانیده و دستان باز میتوانست در آن جاگیر گردد، جسد را میگذاشتند و الی فصل بهار نگهداری می نمودند، زیرا در زمستان لاشخواران پیدا نمی شدند و هم اگر جسد خیلی ها خشکیده می شد، از این سبب باید در بهار زیر باران میگذاشتند تا نرم گردد، و حتی اثرات باران باید در گوشت، پوست، خون و استخوانش نفوذ می نمود ، نرم می شد و هم در همان وقت است که سر و کله لاشخواران پیدا می شد و بعد جسد را به تپه بلندی می بردند و میگذاشتند تا مورد طعمه آنها قرار گیرد، و ثوابی را که از آن در نظر داشتند برای آنها میسر گردد. این خود کاملاً با سنت اسلامی در هماهنگی قرار نداشته و از این لحاظ باید گفت که سنت چراغ روشن دارای ویژه گی های سنت اسلامی بوده و از جای و منبع دیگری ظهور نکرده است.

مراسم تشریفات " چراغ روشن"، در سیاق و متون مواریث فرهنگی و باور های دینی اسماعیلیان آسیای مرکزی، به گونه ژرف ریشه داشته است. این رسم با سنت ماندگار ناصر خسرو، حجت خراسان، سیاح معروف، فیلسوف نامدار، حکیم و دانشمند بی بدیل، و خادم آستان امام و خلیفه فاطمی، حضرت امام مستنصر بالله ، ارتباط گسست ناپذیر دارد. روح و روان دعوت ناصر خسرو، در قرائت نامه های ناهمگون و کثیری که برخی از قسمت های این سنت یاد شده را در بر میگیرد، و به نحو شایسته بازتاب میگردد، به نام " دعوت ناصری"، و با به گونه ساده "دعوت"، یاد میشود.

سنت " چراغ روشن"، در فراز و فرود سده ها، در خدمت دو هدف معین و سترگ انسانی قرار داشته است. اول، از دیدگاه تاریخی، وسیله ای بوده است برای پیر ها و داعیان جماعت آسیای مرکزی در راستای گسترش و استحکام شیرازه های دینی در میان جماعت ناهمگون در مناطق کوهسار، و کوه پایه های پامیر و بدخشانات وابسته به جغرافیای سیاسی افغانستان، تاجیکستان، علاقه جات شمالی پاکستان و منطقه ترکستان تاریخی، شنکیانگ فعلی واقع در سرزمین پهناور جمهوری خلق چین. ، دوم، از دیدگاه فرهنگ عقیدتی، جماعت و باورمندان را در امر حفظ و نگهداری اتحاد و هویت تاریخی و عقیدتی جماعت در ادبار مختلف تاریخی، فراز و فرود زمانی ، مکانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، توان مند و معتقد با واقعیت های آئین و کیش باطنی ساخته است. در دل این سنت نیایش و ذکر آفریدگار عالمیان، و ستایش سرور کائنات، رسول اکرم(ص)، و امامان، و انجام دعا و ثنا به آستان نیروی زوال ناپذیر یزدانی و طلب استدعا و یاری از نیروی ماندگار و بی نیاز در مراحل زمانی با اهمیت در زندگی انسان ها ، و کافه بشریت، جهت رهایی از دشواری ها، مصیبت ها و آلام می بوده و مزید برآن سنت یاد شده وسیله ای است در امر اندیشیدن روی معانی و اهداف تنویر گرایانه و متوازن زندگی مادی و معنوی در این کائنات و روز موعود، مطابق هدایت قرآن مجید، آموزه های حضرت محمد(ص)، و هدایات امامان زمانه ها ، می باشد.

اصطلاح " چراغ روشن"، در واقعیت امر ترجمه عباره عربی است که مفهوم " سراج منیر"، که معنی لفظی و واژه ای آن " چراغ روشن"، بوده و در حقیقت واژه قرآنی است که در ختم سوره 33 آیت 46 ، به حیث صفت و کنیه ای حضرت محمد(ص)، ذکر شده است. **وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (33:46)** " و مردم را به فرمان خدا بسوی او بخوانی ، و چراغی تابناک باشی" . همچنان این اصطلاح با آیت نور که در سیاق آن پیرامون " نور علی نور"، سوره 24 آیت 35 و سایر آیاتی که بر مؤلفه نور و فروزندگی دلالت می کند، نیز در ارتباط است. آنگونه که در آیه زیر مشاهده می نمائیم :

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرَّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (24:35)

" خدا نور آسمان ها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی باشد. آن چراغ درون آبگینه ای و آن آبگینه چون ستاره ای درخشنده. از روغن درخت پر برکت زیتون که نه خاوری است و نه باختری افروخته باشد. روغنش روشنی بخشد هر چند آتش بدان نرسیده باشد. نوری افزون بر نور دیگر. خدا هر کس را که بخواهد بدان نور راه می نماید و برای مردم مثلها می آورد، زیرا بر هر چیزی آگاه است." (35:24)

این بینش با شیوه های تمثیلی و کنایه های ناهمگون در ارتباط با بازتاب نور، در همه فرآیند این سنت گسترش یافته است. پروسه تنویر چراغ چنین دانسته میشود که بر ملا کننده تأیید مجدد اصول و قواعد نور یزدانی است که در سلسله جاویدان بینش و تصور امامت در کلیت امر، به توضیح و تفسیر گرفته شده است. یکی دیگر از جهات با اهمیت مراسم تشریفات چراغ روشن، با بسا گونه های اجرات ، مشاهدات، و کار کرد های عام مشابه دیگر منوط به دنیای اسلام، مانند بینش و تصور قربانی که سنت حضرت ابراهیم علیه السلام، را در پی دارد و باعث آفرینش اسباب نزدیک شدن و قربت باورمندان به سلسله جاویدان و ماندگار امامت با تصور قرآنی اش میشود، نیز عمومیت دارد. در اصل این سنت در فرآیند عملکرد روی پارسایی، ایثار و فداکاری مؤمن اصرار میورزد، آنطور که در کلام الله مجید ارشاد شده است.

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤَهَا وَلَكِنَّ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ (22:37)

"گوشت و خون این شتران شما به خدا نمی رسد. آنچه به او میرسد پرهیزگاری شما است." (22:37).

این آیه قرآنی ما را به بینش و اندیشه ژرف و می دارد تا بدانیم که خداوند هر آنچه را که در عالم ظاهر انجام میدهیم هدایت فرموده است اما ، بدون تردید دارای تصور باطنی هم است و اگر ما آن را نمی شناسیم و به ژرفای آن مغروق نشویم، در حقیقت یک بخش عظیم کاری، فکری ، عبادت و نیایش ما نیمه باقی می ماند. یعنی اینکه اگر نیایش ها و عبادات رچوالستیک " مراسم نمایشی و نمادین" ، ما با سیاق و محتوای باطنی آن که در واقعیت در امر ساختار شخصیت معنوی و روانی انسان ها ، در مطابقت قرار نگیرند و نقشی را بازی کرده نتوانند، در آنصورت مطابق تعبیر و تفسیر آیه مبارکه بالا، به همگان باید روشن گردد که خداوند تنها به بازتاب های زبانی و عباره های لفظی ما قدر و قیمت قایل نبوده ، بلکه آنچه باعث اسباب تغییر و تعویض بینش ما از گرایش منفی، کاستی ها و نارسایی ها، بسوی شناخت معرفت و حقانیت زندگی معنوی و بشری گردیده و ما را من حیث انسان معتقد، باورمند، متقی و پرهیزگار، در میان امت مسلمه معرفی نماید، بیشتر نیاز داشته و مورد تقدیر و تکریم قرار میدهد. آنهایی که به سیاق قرآن کریم باز میگردند، خیلی ها نادر سعی می ورزند تا ژرفای معنی و مفهوم آن را مطابق دانش زبان و ادبیات عربی که همواره مانند سایر زبانهای زنده جهان در تغییر و دگرگونی است، به شناسایی گیرند و از مفاهیم آیات محکمت و متشابهات آن خویشتن را آگاه سازند، و بعد تاریخی، شرایط زمان و مکان ظهور دین و عقیده در نظر داشته باشند و بعد آن در تحقق و تطبیق آن در زندگی روزمره خویش، داخل اقدام علمی و عملی شوند، آنگونه که در آیه زیر، همه انسان ها و باورمندان را به شناخت آفرینش کائنات مطابق علم عقلی و نه نقلی، قدم مثبت و آگاهانه بردارند. مثلاً در این آیه مبارکه بسا مطالب نه تنها در مورد بینش چراغ و روشنی توضیحات میدهد، بلکه پیرامون نحوه کارکرد ها و اجرای وظایف آنها نیز ما یان را به تفکر و تعقل فرا می خواند.

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا یعنی"

بزرگوار آن خدایی که در آسمان برج ها را مستقر داشت و در آن چراغ روشن، خورشید و ماه درخشنده و تابان را روشن ساخت" (25:61)

مراسم تشریفات سنت چراغ روشن در طریقه شیعه امامی اسماعیلی همانند سایر جمعیت های مذهبی بخاطر التماس و دریافت برکات و بازتاب اظهار سپاس و شکران و جستجوی آرامش و سکون، و بخاطر پیشکش دعائیه ها به روح و روان فرد متوفا و بخاطر نجات و رهایی خودی از دشواری هایی که در شرایط و زمان دشوار به گونه های ناهمگون عرض وجود میکنند، صورت میگیرد. بسا از این مراسم با گذشت

زمان در شیرازه سیاق ویژه فرهنگی، تاریخی و جغرافیای سیاسی من حیث سنت بعد از مراسم وابسته به خاک سپاری و تشییع جنازه مانند مراسم، "ثمر" و "زیارت"، در سنت جماعت آسیای جنوبی، انکشاف یافته است. یکی از نمونه های این چنین مراسم در میان جماعت آسیای مرکزی، سنت "چراغ روشن"، است.

امام وقت، شاه کریم الحسینی، در تعلیقه یازدهم جولای 2009 خویش، به مناسبت زادروز امامت در زمینه چنین ارشاد فرمودند:

"من با مسرت فراوان و ویژه میخوام جماعت را آگاه سازم که متن مشترک "چراغ روشن"، را که جز عملکرد مراسم تشریفات وابسته به تشییع جنازه و خاک سپاری اعضای متوفای مربوط به سنت ناصر خسرو است، برای رعایت و مشاهده این رسم تصویب نمودم. این متن مشترک تعویض کننده همه آن متونی است که تا کنون از آنها کار گرفته می شد و بازتاب دهنده اصول بنیادین طریقه ما، یعنی مرکزیت امامت موروثی جستجوی فردی بر مبنای هدایت امام زمان و تعهدات تاریخی ما در برابر بینش یک بشریت واحد و زندگی مشترک می باشد."

سنت چراغ روشن، در سنت و مواریث فرهنگی و عقیدتی اسماعیلیان آسیای مرکزی ریشه ژرف داشته و برای سده های متمادی توسط پیروان سنت ناصر خسرو رعایت گردیده است. جماعت وابسته به این سنت متشکل است از: **جماعت بدخشان افغانستان، بدخشان تاجیکستان، بدخشان علاقه جات شمالی پاکستان، ترکستان چین، و سایر مناطق کوهسار می باشد.** سنت یاد شده جماعت اسماعیلی، پیرها، داعیان و حجتان را در راستای گسترش و استحکام باورهای دینی، عقیدتی و اجتماعی، و حفظ و نگهداشت اتحاد و اتفاق به شمول هویت عقیدتی مردمان مناطق یاد شده را در شرایط خیلی ها ادبار تاریخی، یاری رسان و ممد بوده است.

در سنت اسماعیلیان آسیای مرکزی، اصول و قواعد مراسم تشریفات مذهبی بر مسایل و بینش ظاهری آن اولویت بیتشر دارد، زیرا این روش پارسایی است که کارکرد های مبنی بر آن مورد پذیرش قرار میگیرند و امیدها، تحقق می یابند. از این سبب امامان شان در زمانه ها همواره سادگی و بی آلایشی را در همه شئون زندگی مذهبی و تشریفات سنتی مورد ترغیب قرار داده و از متحمل شدن مصارف سنگین و گزاف که تا حدی خود نمایی و تظاهر نیز است، منع قرار داده اند. در سیاق قرآن عظیم الشان همواره میخوانیم که خداوند تبارک و تعالی هرگز میل ندارد تا بر باورمندان فشار وارد شود و با دشواری ها سر دچار شوند، بلکه همواره باید سهولت ها را بیافرینیم، زیرا آفرینش سهولت برای خود و دیگران نیز یکی از شیوه های رحمت و برکات است. این ارزش ها باید تشویق و ترغیب شوند و مورد حمایت قرار گیرند و خانواده ها را باید از روبرو شدن با دشواری ها و مشکلات هنگام مراسم عزاداری و مغمومیت و اندوه نجات دهیم.

رسم چراغ روشن در کلیت خویش بعد از ختم مراسم تکفین و تدفین، در شب سوم وفات فرد مطابق امکانات دست داشته، مورد رعایت قرار میگیرد. بعضاً دیرتر هم

صورت می‌گردد، اگر خانواده‌ها امکانات مادی آن را نداشته باشند. با وصف آنکه این سنت در میان همه جماعت وابسته به سنت ناصر خسرو یکسان است، اما باز هم گفته میشود که این رسم در میان جماعت بدخشان تاجیکستان، بعد از وفات فرد در شب دوم مشاهده میشود. قابل یادآوری است که برپایی سنت و رسم چراغ روشن برای نوزادان، مجاز دانسته نه شده است. این رسم در منازل خانواده‌های عزادار و ماتم دیده بعد از ختم دعای شام به اجرا در آورده میشود که معمولاً به نام دعوت فنا یاد میشود. سیمای مرکزی این سنت را، شکل ظاهری آن که شامل خوانش چراغ نامه، آیاتی از کلام الله مجید، فرآیند استدعا، تضرع، زاری، التماس و بازتاب ابیات عرفانی، از قبیل مدح خوانی، قصیده خوانی که توسط مدیحه خوان که بعضاً به گونه سنتی آن را " **مداح خوان می نامند**"، و خلیفه‌ها به خوانش گرفته میشود، تشکیل دهنده است.

متن " **چراغ نامه**"، بازتاب دهنده مرکزیت بینش و تصور امامت، اصول و قوانین عملکرد بر طریقه و عقیده در فرآیند پژوهش‌های فردی، مبنی بر هدایت امام زمان و ارزش یابی ای که طریقه اسماعیلی از بینش قرآنی در مورد تصور بشریت واحد دارد، می باشد. مادامی که فرآیند رعایت و مشاهده چراغ روشن، در شیرازه زمانی معین که برای خوانش چراغ نامه در نظر گرفته شده است، به پایان میرسد، اشتراک کننده‌ها به گونه عادی و خودمانی به مدیحه سرایی، خوانش قصیده، نعت، منقبت و اناشید (**قصاید و سروده‌های اسماعیلیان شرق میانه**، به ویژه **جماعت سوریه**) هستند، اقدام می‌ورزند. زمانی هم بود که حضرت امام سلطان محمد شاه، در اواسط سال 1920 م، متن تصویب شده چراغ روشن را به جماعت آسیای مرکزی، به ویژه به مناطق علاقه جات شمالی پاکستان و از آن طریق به سایر نقاط آسیای مرکزی توسط نماینده ویژه خود فرستادند، اما به نسبت موجودیت دشواری‌های ناشی از نبود وسایل مفاهمه و گفتمان مستقیم، به شمول سایر مؤلفه‌های وابسته به اوضاع و احوال آن زمان موجود در میان جماعت، و مقاومت برخی از افراد و اشخاص دارای صلاحیت و اختیار در میان مردم، به ویژه آنهایی که منافع فردی و خانوادگی‌شان را در خطر می‌دیدند، متن یاد شده جنبه عملی را به خود نگرفت و پیرها و خلیفه همواره بر اساس کار کرد های سنتی و سابق و استفاده از متون سابقه و کهن دست داشته‌شان استفاده به عمل می‌آوردند، که این مسئله خود قابل پرسش بوده و در حقیقت عدول از بینش امامت موروثی و ادای بیعت به امام و تصور امامت است.

فشرده ای پیرامون دیدانداز تاریخی و سنتی " چراغ روشن" : آنگونه که گفته آمدیم، سنت چراغ روشن در همه مناطق و جغرافیای سیاسی ایکه اسماعیلیان و پیروان پیر ناصر خسرو حیات بس می‌برند، به مظاهره و مشاهده گرفته میشود. در مناطق علاقه جات شمال پاکستان، تعمیل کننده های این سنت، تکه سفیدی را روی زمین میگذارند و چراغی را روشن می‌سازند که روغن آن از چربی حیوان ذبح شده به مقصد معین چراغ روشن که آن را بعضاً " **دعوتی**"، می‌نامند، روشن می‌گردد، و

تا زمانی که این چراغ روشن است، برای سایر روشنی‌ها و چراغ‌ها اجازه کارکرد و فعالیت داده نمیشود و خلاف تصور و بینش ماهوی این سنت به شمار می‌رود. مادامی که فتیله مخصوص این مراسم را تهیه و تدارک می‌بینند، در این هنگام آیاتی از قرآن مجید به خوانش گرفته میشوند و سایر کار کرد‌ها مورد نظر نیز بعمل گردیده و فتیله با روغن تهیه دیده شده از چربی حیوان ذبح شده برای مقصد یاد شده، با تیل روغن نمناگ گردیده و بعد روشن میگردد تا به سوختن آغاز نماید و در روشنی آن سایر امور به اجرا در آورده میشوند. در این هنگام قاضی و یا شخص آغاز کننده در برابر خلیفه ایساده میشود و به خوانش درود و صلوات آغاز گر میشود و دیگران نیز با او به گونه مشترک تکرار می‌نمایند. چراغان در مقابل خلیفه با سنت تکراری سه بار بر زمین گذاشته میشود. این خود بازتاب دهنده بینش توحید یعنی یگانه بودن خداوند تبارک و تعالی، واحد بودن چراغ یزدانی و نور مبین و جاویدان، و رابطه سه گانه، یعنی رابطه با خداوند، با حضرت محمد(ص)، و با امام زمان که وصی و سخنگوی پیامبر است، می‌باشد. علاوه بر آن از سیاق کاری و متون جماعت افغانستان و تاجیکستان دیده و دانسته شده است که در آن جا، ظرفی را که در آن کارد خورد، گندم نیمه آرد شده، "دَلده"، کمی هم نمک نرم شده، با مقداری پنبه قرار داده شده است بدست قاضی داده میشود و بعد آن را با خوانش درود و صلوات در پیش روی خلیفه قرار میدهد. در این هنگام خلیفه از جای خود برخاسته و سایر اشتراک کننده‌ها نیز از ایشان پیروی نموده و همگان بر پا میشوند و 27 بیتی را از چراغ نامه، با آهنگ کورس به خوانش می‌نشینند.

گوسفندی را که برای مقصد ذبح تدارک می‌بینند، نباید لاغر و ضعیف باشد بلکه باید دارای نیرو، و ظرفیت چربی باشد تا از یک طرف باعث روشن نگهداری بیشتر چراغ گردیده و از جانبی هم به فرآیند و مراسم سنت یاد شده ادای بی‌احترامی نه شده باشد، و هم بر بنیاد عقیده و باور پیشدادیان ما، گفته میشود که آنچه را که در راه خدا، دین و عقیده اختصاص میدهی، باید هر همه بهتر و شایسته باشد. اما در این قسمت میخواهم به عرض رسانم که، حتی اسماعیلیان ما نیز هنوز روی ظواهر مسئله تأکید می‌ورزند زیرا از فرهنگ محیط پیرامون متأثر هستند و تأکید شان بر این است که گوسفند مورد نیاز برای دعوت، باید هم که چاق باشد و از نیروی فزیک و جسمانی قوی تری برخوردار باشد. عقلاً می‌پذیریم که باید هم چنین باشد تا از دیدانداز اجتماعی و فرهنگی در نزد دیگران احساس کمبودی نکرده باشیم، اما اگر از دیدگاه معنوی و عینی به اندیشه نشینیم، این هم یک نوع حرص و آز است که گردانندگان دعوت یاد شده را و میدارد تا در مورد برکت بیشتر گوسفند فربه به اصرار نشینند تا منافع و اشتیاق اشتراک کننده‌ها نیز را در نظر گیرند، در صورتی که نزد خداوند بینش گوسفند فربه و یا لاغر، هر دو دارای هیچ گونه اهمیتی ندارد، زیرا آنگونه که در قرآن کریم آمده است که گوشت، پوست و روغن این حیوانات شما به خدا نمی‌رسند، بلکه آنچه که به خدا می‌رسد و از شما مشکور خواهد بود، تقوا و پرهیزگاری

شما به شمول نیت تان خواهد بود که در برابر این عمل ظاهری انجام می‌دهید، بدون تردید حایز اهمیت بیشتر می‌باشد. گوسفند وضو داده میشود، بعد خلیفه کمی نمک نرم شده را در دست چپ خویش قرار داده و آن را کمی می‌فشارد تا نرم تر شود، و در دست راستش کارد ریزه است که فردی در اختیارش می‌گذارد و بعد با کارد نمک را ریزه نموده و با مقداری از گندم نرم شده مخلوط ساخته و به دستیار خود میدهد تا به گوسفند دعوتی بخوراند. در این وقت خلیفه به خوانش تکبیر آغاز گر میشود و دستیار خلیفه رویش را بسوی قبله دور داده و به ذبح نمودن گوسفند، آغاز می‌نماید. بعد آن خلیفه پنبه را گرفته و بعد از تماس با پیشانی، به تابیدن آن آغاز می‌کند تا فتیله ای ساخته شود، و آن را در اطراف انگشتانش پیچانده و بعد از تکمیل شدن، به پارچه های خورد و ریزه تقسیم می‌نماید. بعد دستیار خلیفه فتیله های داخل روغن را گرفته و کمی می‌فشارد تا روغن کمتر شود و برای روشن شدن آماده گردد. باید گفت که چراغ دان معمولاً از سنگ ویژه ای ساخته میشود که "سنگ سنگلیج" یاد شده و در اصل از "سنگ مرمر و رخام" ساخته میشود که رنگ آن نسواری و یا تیره گون می‌باشد.

آخر سخن: برای همه وابستگان سنت ماندگار پیر سید شاه ناصر خسرو، داعی بزرگ و حجت خراسان که اختیار و صلاحیت کاری و دعوت اش، از آستان و مقام حضرت امام مستنصر بالله سرچشمه گرفته است، آشکار و تفهیم است که مراسم تشریفات و سنت "چراغ روشن"، که در ابعاد تعابیر و تفاسیر، ظاهری و باطنی اش بازتاب گردیده و برای همیشه انعکاس خواهد یافت، در فرهنگ عقیدتی اسماعیلیان جماعت آسیای میانه، و سایر کشور های اسماعیله نشین که از سنت ناصر خسرو پیروی می‌کنند، ریشه خیلی ها ژرف و تاریخی دارد، و باید اظهار کرد که پیروان این سنت ارزش واقعی و ماندگار آن را با گوشت، پوست، استخوان، نبض، فکر، ذکر و بینش عقلانی خود، احساس، تقدیر و تکریم میکنند. این سنت برای بیشتر از یک هزار سال به گونه های مختلف، با امکانات و دیدگاه های ناهمگون، در شرایط خیلی ها دشوار و مختنق، به شمول فرآیند تقیه عقیدتی و عمکرد بر عقیده و باور، بر بنیاد ابراز وفاداری و صداقت به تعلیمات و آموزش عقلانی و خرد گرای سالار بزرگ ناصر خسرو، و هدایت امام وقت که بر بنیاد عقیده و باور تشیع، تطبیق کننده و تحقق پذیرنده اراده یزدانی در میان پیروان و بندگان خدا است، مورد کار برد قرار داشته است. در سال های 1923-1925م، در میان جماعت آسیای مرکزی، به ویژه در میان جماعت علاقه جات شمال پاکستان، که نخستین بار به داشتن نهاد ها و ادارات جماعتی موفق شدند، برخی ها را تلاش بر این بود تا مسیر هدایت دقیق امام را با فهم کم شان تعبیر و تفسیر شخصی نموده، از آن بهره برداری سیاسی کنند و جماعت را به سوی پریشانی استقامت بخشند. اما، خوشبختانه حضور شخصیت های آگاه و خبره، وفادار به اصول و آئین طریقه و کیش در میان جماعت به گونه فوری توانستند جلو

بلواگران را بگیرند و از سیاق و محتوای فرهنگ و تاریخ عقیدتی شان، دفاع عقلانی و منطقی نمایند.

در کشور عزیز ما افغانستان، نیز نظام جدید مؤسساتی و ادارات امامت و جماعتی در سال های اخیر با در نظر داشت شرایط زمانی و مکانی، حضور فزینی پیدا نمودند و بدون تردید برخی از تغییرات و دگرگونی ها در عرصه های ناهمگون، به شمول عملکرد بر عقیده و طریقه نیز به میان آمد که یکی آن هم مواصلت تعلیقه و هدایت امام در مورد تحقیق، تدقیق و تطبیق " چراغ روشن"، سنت ماندگار سید شاه ناصر خسرو مطابق حقایق عینی و ذهنی جامعه، با حفظ اصول و ارزش های معنوی و تاریخی فرهنگ عقیدتی مردمان ای که از سنت ناصر خسرو پیروی میکنند، بود و برای جماعت ابلاغ گردید.

بدون تردید و بر بنیاد اسناد و مدارک دست داشته، موضوع شامل ساختن سنت چراغ روشن به سیاق مراسم تشریفات مذهبی ای که همین اکنون در شیرازه جماعت خانه ها در بیشتر از بیست و پنج کشور جهان جریان دارد، با قیادت و رهبری ادارات جماعتی، به ویژه قنسل و طریقه بورد های کشور های افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، هندوستان، کانادا، امریکا و کشور های اروپایی، به مشوره گذاشته شده

بود و آنها مسؤلیت اخلاقی، عقیدتی و سنتی داشتند تا طراحان تغییرات متن و سیاق " چراغ نامه " را با ایشان دقیقاً مطرح می ساختند و بعد جهت تطبیق آن اقدام صورت میگرفت، و با وجود آنهم همه اسناد و مدارک خیلی دقیق ارزیابی شده بودند، اما برخی ها باز هم مانند سال های 60 در علاقه جات شمالی پاکستان میخواستند آن را جهت و جنبه سیاسی دهند و از آن به نفع دسته ها و گروه های بی باوری که در گذشته ها چندان علاقه ای به این گونه مسایل نداشتند، کار کردهای تبلیغاتی داشته باشند و از سوی دیگر آنهایی که در سردماری ادارات قرار داشتند اولاً خود از محتوای هدایت یاد شده آگاهی دقیق نداشتند و هم در تفهیم، توضیح و تشریح آن برای پیروان این سنت از شفافیت و دقتگرایی استفاده کرده نتوانستند، که چگونه آن را باید مطابق شرایط محیط کشور های خود، و مطابق شرایط موجوده کشور های اروپایی که اعضای جماعت در آنها حیات بسر می برند و تابع قوانین معین اجتماعی هستند که در برخی از کشور ها، مانند افغانستان و تاجیکستان هنوز از آن یادی نیست، مورد تطبیق قرار دهند.

در سنت اسماعیلیسم مشهود است که امام مسؤلیت همگانی عملکرد بر طریقه و عقیده جماعت را بدوش دارند، زیرا بینش بیعت به صلاحیت و اختیار او، این موضوع را بیشتر از پیش روشن ساخته و امام خود همواره می فرمایند که با سنت، تاریخ و ارزش های عقیدتی جماعت هر گز مسامحه و مصالحه منفی صورت نخواهد گرفت بلکه به ژرفای سیاق تاریخی جماعت مراجعه صورت خواهد گرفت و مطابق آن جهت مصونیت عقیدتی، ذهنی و فکری جماعت کار صورت خواهد گرفت، آنگونه خود فرموده است: " از سال 1957م، تا کنون، هدف اساسی من این بوده است، تا از

تاریخ مان ، از تاریخ جماعت مان نکاتی را بیرون ساخته و از طریق مساعی همه جانبه و صادقانه در شرایط امروزی، هویت شیعه امامی اسماعیلی مسلمان و روابط درونی آنها را با سایر مکاتب فکری و برداشت ها، اندیشه ها، مناسک و تشریفات مذهبی، آداب و سنن دینی، مسلمانان تقویت کنم. احساس میکنم که در این مقطعی از تاریخ جماعت مان، که سنت های مختلف آغاز به همگرایی میکنند، به ویژه خیلی ها مهم است تا آن جنبه ای از دین، آداب و مناسک ای را مطرح کنیم که خیلی ها حیاتی هستند، از جمله صورت های نا همگون بیان ها و بازتاب های اعتقادی و مناجات ها را که ریشه در تاریخ و سنت طریقه ی شیعه امامی اسماعیلی مسلمان دارند، بر حسب تفسیر و تعبیر امام زمان، داشته باشیم.

خوشنودم به اطلاع جماعت برسانم که کار سری و مکتوم و با تحمل در باره این موضوعات، در فرآیند پیشرفت قرار دارند و شما از کاری که مؤسسه مطالعات اسماعیلی در لندن و انجمن های تعلیم و آموزش و تربیت دینی و اداره طریقه و آموزش مذهبی، طی سال های گذشته انجام داده اند، با خبر هستید که به تاریخ ما مراجعه نموده اند تا رشته ها و ریشه های متنوعی را که بخشی از تاریخ ما در جهان عرب، در دنیای آسیایی بوده اند دریافت کنند تا همه جماعت ها از هر پیشینه تاریخی که هستند و دارای هرگونه خاستگاهی که باشند، بتوانند حس همدلی و آشنایی با مناسک و آداب دینی در این زمان از دین ما داشته باشند. با خشنودی به اطلاع جماعت میرسانم که به نتایج مؤثری و خوبی از این کار رسیده ایم و اجرای این کار در طی سال آینده توسط انجمن های تعلیم و آموزش دینی و طریقه اسماعیلی و مؤسسه مطالعات اسماعیلی، بعد از نهایی شدن متن های یاد شده پیشبرده خواهد شد.

آرزوی من این است که این درک از مناسک و آداب دینی ما بطور رسمی در آموزش دینی جماعت مان، به ویژه در کتاب های درسی دوره میانه ، که در حال حاضر در مؤسسه مطالعات اسماعیلی در دست تهیه و تدارک است، منعکس شود..... این اصول همچنین در یک متن یک دست و جامع از " نکاح"، که از طریق مؤسسات طی چند ماه آینده در اختیار جماعت قرار داده خواهد شد، بازتاب خواهد یافت. بسیاری از اعضای جماعت ام از افغانستان، تاجیکستان و شمال پاکستان منوط به سنت ناصر خسرو هستند که اکنون در جهان غرب حضور عینی دارند. مراسم " چراغ روشن"، بخش مهمی از سنت آنها است و در نتیجه، به مؤسسات توصیه کرده ام که در اسرع وقت، متن مشترک و جامعی را فراهم سازند که بتوان از آن برای عملکرد به این سنت و مراسم تشریفات استفاده نمود. این متن نیز، انعکاس دهنده اصولی خواهد بود که به آنها اشاره نمودم" (اگلیمونت، 13 دسامبر، 2008 م) به مناسبت ملاقات با رهبران جماعت.

اگر گویم صفات شاه ناصر
نمیدانم ز حالت شاه ناصر

اگر گویم که مردی کار بودی
فزون از مرد کاری شاه ناصر
ز ایران رو نهادی در بدخشان
شده یمگان مقام شاه ناصر
ز اقدام شریفتم ملک یمگان
شده باغ جنان یا شاه ناصر (چراغ نامه، ص، 11)

ادبیات و پی نوشت ها :

1- " منابع سنت چراغ روشن " ، محمد شیرزادشا اف ،
و دیگران ، دوشنبه ، 2009 م .

2- متن "چراغ نامه" ، طریقه بورد کانادا ، 2010م .

3- " چراغ روشن " ، سنت جماعت آسیای مرکزی ،
انگیسی، (ممتار علی تاج الدین،) ، کراچی ، 2000م .

4- *Dictionary of Islam, Azim Nanji, London, 2008.*

5- *A Modern History of Ismalis, Farhad Daftary, London, 2011*

6- "شمالی علاقه جات می اسماعیلی دعوت" ، اردو ،
کراچی 1996م .

به امید انتقادها ، تصحیحات ، کمک ها ، و تزئیدات
سالم ، آموزنده و سازنده افراد چیز فهم در
زمینه !!